

حسن حنیفه: قتل سیاسی یکی از ابزارهایی است که از گذشته تاکنون توسط انواع و اقسام گروه‌ها مورد استفاده قرار گرفته و امروز از آن با عنوان «ترور» یاد می‌شود. مهد قتل‌های سیاسی را باید فرانسه دانست که واژه ترور را خلق کرد. در آن زمان بود که قتل‌های بسیاری در این کشور با هدف یک آرمان ثابت انجام شد و هزاران نفر را به کام مرگ فرستاد. برخی پژوهشگران معتقدند در زمان جنگ‌های صلیبی و حتی «حسن صباح»، پدیده ترور وجود داشته‌است اما به صورت انفرادی بوده و عده‌ای دیگر قتل دسته‌جمعی در خلال سال‌های ۱۷۹۳ تا ۱۷۹۴ را هم بخشی از ترور می‌دانند که رنگ و بوی ایدئولوژیک داشته‌است. همچنین اگر به منازعه شرق و غرب در اثنای جنگ سرد نگاهی گذرا بیندازیم و به دنبال آن وقایع سیاسی پس از جنگ دوم جهانی را مورد پالایش قرار دهیم به وضوح می‌بینیم گروه‌هایی مانند «بریگارد سرخ» که در ایتالیا طی دهه ۲۰ تا ۸۰ میلادی دست به ترور سیاسی می‌زدند یک گروه مارکسیسم-لنینیسم بودند که توسط «ناتو کوکچیو» تاسیس شد و اتفاقاً در زمره تروریسم ایدئولوژیک غیرمذهبی قرار می‌گیرند که یکی از مهم‌ترین ترورهای آنها قتل «الدو مورو» نخست‌وزیر سابق ایتالیا در ۱۹۷۸ بود. نمونه دیگری از این گروه‌های چپ‌گرای اروپایی که باید در قالب جریان‌های تروریستی ایدئولوژیک غیرمذهبی مورد تحلیل قرار گیرد «فراکسیون ارتش سرخ» یا همان «بدر ماینهوف» است؛ گروهی که اعضای آن از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۸ دست به سلاح بودند و عملیات‌های شهری بسیاری اعم از انفجار سفارتخانه‌ها، ترور بیش از ۴۰ شخصیت سیاسی میانی و سطح بالا و همچنین سرسرت از بانک را در کارنامه خود دارد که تفکر آن همانند سایر گروه‌ها، مارکسیستی بود. اگرچه روند حیات گروه‌هایی با تفکر مارکسیستی در وضعیت فعلی و پس از ریزش دیوار برلین و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی رو به افول بوده اما نمادها و اندیشه کمونیستی در عصر حاضر همچنان در برخی نقاط دیده می‌شود یا حداقل با اسم و عنوان دیگری قابل رویت است، بدون تردید تغییر تفکر و اندیشه سیاسی در نظام بین‌الملل پس از سقوط کمونیسم برای غرب یک فرصت بسیار گرانبها و استراتژیک به شمار می‌رفت که به واقع توانسته از آن بهره ببرد، چرا که باقیمانده‌های جریان‌های مارکسیستی و کمونیستی در نقاط مختلف کره خاک به سختی می‌توانستند خود را با شرایط فعلی هماهنگ و همراه کنند و از این جهت ایالات متحده فرصت را غنیمت شمرد و به درون آنها رخنه کرد.

■ **کمونیست هستنید؟ مشکلی نیست، با ما باشید!**

جامعه اطلاعاتی غرب و در رأس آن ایالات متحده به این نتیجه رسید که اگر سازمان‌ها و توده‌های کمونیستی را به حال خود رها کند بدون تردید همانند اروپایی‌ها باید با چالش خیزش مسلحانه در کف خیابان ایالت‌های خود مقابله کند. از این منظر راهبرد آنها تسلیح و تجهیز این طیف‌ها توسط سرشکبه‌های سیا بود تا علاوه بر انتقال تهدید به جای دیگر (خارج از محیط آمریکا، بتوانند از آنها به عنوان ابزار فشار بر دولت‌های غیر همسو و هدف

استفاده کنند.نمونه بارز این سناریو که اتفاقاً تا به امروز در جریان است، استفاده سیا از «جدایی‌طلبان فارک» در کلمبیا است. این سازمان که به عنوان نیروهای مسلح انقلابی کلمبیا معروف هستند از دهه ۶۰ میلادی تاکنون با تفکر مارکسیستی در حال فعالیت است و زمانی که حزب کمونیست کلمبیا متوجه قاچاق موادمخدر از نسوی آنها شد، این سازمان را جدا شده از خود اعلام کرد و همین موضوع باعث کشش آنها به سمت سیا شد. ادامه حیات گروه‌هایی مانند فارک در کلمبیا، آلفا ۶۶ در کوبا و… به هزینه آمریکا

بستگی داشت. اما امریکای جنوبی تنها جایی نبود که سیا به آن چشم دوخته بود. سال ۱۳۵۷ و درست پس از آنکه انقلاب اسلامی ایران نمایان شد، ایالات متحده به این برآورد رسید که باید برای همه‌گیر شدن این تفکر در خارج از مرزهای ایران کاری کند. بدون تردید رخنه مستقیم به داخل کشور پس از سقوط لانه جاسوسی امکان‌پذیر نبود پس باید دست‌چینی از مخالفان را مورد نظر قرار می‌داد که در این راه سازمان منافقین و چندین جریان ضد انقلاب را در فهرست خود قرار داد. بدون تردید بخشی از این فهرست را گروه‌ها و طیف‌هایی تشکیل می‌دادند که ایدئولوژی آنها با انقلاب اسلامی همخوانی نداشت و نتیجه این شد که این عقیده به یک



«آرمان» تبدیل شود. طبیعی است که این آرمان باید الگویی برای خود پیدا می‌کرد تا در راستای استقلال و تشکیل یک منطقه یا جغرافیای به دور از چتر حاکمیت و دولت مرکزی باشد. عملیاتی کردن این موضوع هم نیاز به یک شعار داشت که مردم یا به قول مارکسیست‌ها «خلق» را در بر گیرد و به عنوان یک سناریوی تطهیر چهره از آن استفاده شود. این روند از ابتدای انقلاب اسلامی در دستور کار بود که ناگهان نام طیف‌ها و احزایی مانند کومه (کومله)، دموکرات، پژاک و… پدیدار شد که بر اساس آموزه‌های مارکسیستی و برای رهایی به‌اصطلاح خلق (بخوانید خود) دست به سلاح شدند. نماد آنها هم ستاره پنج‌پر سرخ (کمونیسم) شد که در ادبیات مارکسیستی هر بال آن به ترتیب نمادی از جوانان، نظامیان، کارگران، کشاورزان و روشنفکران بود. اما داستان به نماد و پرچم و صدور چند بیانیه ختم نشد، بلکه آنها در آمیختن بوی باروت و خون با بهانه‌ای برای استقلال کردند و از زمان جنگ تحمیلی ۸ ساله تا به امروز به عنوان مهره سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا و اروپا مشغول کار هستند.

■ **معادله‌امجد-رامین**

تابستان سال ۹۶ بود که خبر دستگیری یکی از سرشکبه‌های حزب کومه‌در رسانه‌ها دست به دست شد و در نهایت مشخص شد وی بازنماده یک تیم عملیاتی ۴ نفره حزب کومه بوده که ۳ تن از آنها در درگیری با نیروهای نظامی و امنیتی کشور به هلاکت رسیده‌اند و تنها او زنده مانده و دستگیر شده است. بر اساس سوابق، چنین عملیات‌های تروریستی بارها از سوی کومه و دموکرات

(از سال‌های اوایل انقلاب تاکنون) علیه مرزها و در استان‌های غربی کشورمان اتفاق افتاده بود اما تیم تروریستی مذکور به دنبال اتمام ماموریتی بود که ۱۰ سال پیش ناتمام مانده بود. ماجرا از این قرار است که سال ۱۳۷۸ و بر اساس سناریویی که قرار بود در سال ۱۳۸۸ در امتداد نارآمی‌های تهران انجام شود، قرار بر این بود تیم‌هایی از نسوی کومه و دموکرات پس از رخنه به داخل ایران ابتدا استان‌های غربی را که در دسترس آنها بوده و آشنایی خوبی با آمایش جمعیتی و سرزمینی آنها داشتند مورد حمله قرار دهند و به موازات این سناریو، عناصر مرتبط با تروریست‌های کومه چندین نفر از اشخاصی را که به دفاع از انقلاب اسلامی می‌پرداختند

**گزارش «وطن امروز» از آغاز تا پایان سر تیم هسته تروریستی حزب منحل کومه**

# پایان جوخه ترور



به دلیل نزدیک بودن فاصله تیراندازی، ناحیه بالاتنه سمیرا ی ۱۴ ساله تغییر شکل داده است که نشان می‌دهد ۲ تن دیگر از عناصر کومه در این عملیات امجد حسین‌پناهی را همراهی می‌کردند که باحساب راننده، یک تیم ۴ نفره وارد روستای قروچای شده‌است.

■ **پیش به سوی سرزمین زرن‌من‌ها**

این عملیات آنگونه که آنها فکر می‌کردند درست از آب درنیامد و کودک ۱۴ ساله به جای عمویش به شهادت رسید. امجد حسین‌پناهی به سرعت از مرزها خارج می‌شود و کمی بعد به عنوان فعال حقوق مدنی کرد در خاک آلمان نمایان می‌شود. مطابق عرف کارکرد رسانه‌های فارسی‌زبان معاند، آنها باید به سراغ امجد می‌رفتند و او را تطهیر می‌کردند. بورژنیوز به همراه مابقی رسانه‌ها (از بی‌بی‌سی گرفته تا کیهان‌لندن) در یک بازه زمانی خاص و به دور از هیاهو با امجد گفت‌وگو کردند و نقد جمهوری اسلامی را محور قرار دادند. طی این ۱۰ سال کومه بارها عملیات‌های تروریستی مختلفی علیه مرزهای غربی ایران تدارک دید که تمام آنها به شکست و هلاکت عناصرش منجر شد. این روند ادامه داشت تا اینکه تکمیل سناریوی ناتمام سال ۱۳۷۸ مجددا در دستور کار قرار گرفت، چرا که شکست‌های پی در پی کومه نه‌تنها از سوی افسران تماس آنها در اردن مورد انتقاد قرار گرفته‌بود بلکه حیات به‌اصطلاح «خلق مآبانه» آنها در حال سقوط بود. پس باید ضرب‌شستی نشان داده می‌شد تا حامیان‌شان را به ادامه حمایت‌های‌شان از آنها تشویق کند. امجد حسین‌پناهی که

پنجشنبه ۲۲ شهریور ۱۳۹۷

یکبار در این سناریو شکست خورده بود برادر خود، یعنی «رامین حسین‌پناهی» را سر تیم شبیکه تکمیل پرونده ناتمام قرار داد. سناریو به سرعت و از طریق ارتباط امجد با رامین آخرین تغییرات خود را طی کرد و قرار بر این شد رامین به همراه ۳ تن از عناصر کومه برای اجرای عملیات وارد مرز ایران شوند.

■ **نقطه‌رهایی**

در متن اعتراف رامین حسین‌پناهی آمده‌است که قرار بوده وی بسه همراه ۳ تن از عناصر کومه به نام‌های صباح، حامد و بهروز در قالب یک تیم ۴ نفره از مبدأ پنجوین (۱۵ کیلومتری مرز ایران واقع در سلیمانیه عراق) وارد منطقه لیلاخ (یکی از شهرهای کردستان) شوند. ورود آنها از روبه‌روی مرز ایران و از بازار چهای که مجاور سولاوا (سرو ایاد) قرار داشته انجام می‌شود. آنها در ادامه به تور ایست و بازرسی نیروهای نظامی و انتظامی ایران می‌رسند و به گفته خودشان از آن عبور می‌کنند اما ماموران متوجه می‌شوند ۳ تن آنها به جز راننده خودرو در حال بالا رفتن از کوه‌ها هستند و به دلیل اینکه ورود آنها در تاریکی شب اتفاق افتاده درگیری میان آنها و نیروهای امنیتی ایران شروع می‌شود. از آن تیم تنها رامین حسین‌پناهی زنده می‌ماند و مابقی کشته می‌شوند و پس از مداوای مجروحیت او، بازرسی مقدماتی شروع می‌شود و در نهایت اظهارات خود را به این شکل بازگو می‌کند. مساله اصلی در این پرونده، تطهیر مجدد چهره کومه توسط رسانه‌های خارجی و رسانه‌های فارسی‌زبان معاند است. کمپین‌های گوناگونی در طول این مدت به راه افتاد که بخشی از آن را امجد حسین‌پناهی به عهده داشت که در آن سوی مرزها در آلمان اقامت دارد. طبیعی است در قانون جزایی هر کشور، تروریسم و هر گونه اقدام مسلحانه اگر منجر به مرگ عامل آن نشود، با اشد مجازات روبه‌رو خواهد شد. از اواخر سال ۱۳۹۶ برخی اعتراضات مردمی با زمینه مطالبات محرض‌شستی شکل گرفت اما واقعیت این است که در این میان بسیاری از جناح‌ها و چهره‌هایی که به نوعی از جمهوری اسلامی و بر اساس یک ایدئولوژی ناحق و پرورش یافته از نسوی غرب کینه به دل داشتند، فرصت را برای تسویه‌حساب مغتنم شمردند

و دست به چنین حرکت‌هایی زدند. بدون تردید پرونده رامین حسین‌پناهی آنگونه که رسانه‌های غربی و کمپین‌های منتسب به کشورهای رقیب اظهار کردند نبوده‌است. متأسفانه سواستفاده از عنوان و مسلک مردمان دلیر کرد کشورمان باعث شده این طیف به ابزاری برای خوراک رسانه‌ای غرب تبدیل شود که نمونه عینی آن را در برساره کدهای ترکیه به وضوح می‌بینیم. آنچه امروز نقل محافل رسانه‌ای شده و دائماً به عنوان کمپین‌های حقوق‌یشری مطرح می‌شود، پروژه‌ای است که شخص رامین حسین‌پناهی را بهانه‌ای برای ایجاد تفرقه قومی و تهدید امنیت ملی ایران قرار داد که فردا می‌تواند اشخاص و چهره‌های دیگر را در دستور کار خود بگذارد. این نخستین‌باری نیست که کومه دست به چنین عملیاتی می‌زند، بلکه انفجار بمب در معابر عمومی مهلباد، دستبرد به طلافروشی و قتل صاحب مغازه به بهانه مصادره انقلابی اموال چهره‌های همسو با نظام، ترور متدینین در دیوان‌دره و اقدام‌هایی نظیر آدرمباری و مسدود کردن جاده‌ها که منتهی به غارت و تجاوز به عتف شده است، نمونه‌هایی از اقدامات حزب کومه بوده که رسانه‌های معاند در برابر آنها موضع سکوت اختیار کردند. ترور و قتل سیاسی به انضمام مشتقات آن اگرچه در تمام مکاتب و از نسوی تمام دولت‌ها محکوم است و مجازات آن بر اساس قوانین کشورها مشخص شده اما بدون تردید تویخانه رسانه‌های غیر خودی، عوامل میدانی و حتی خط‌دهندگان خارج‌نشین آن را به هر طریق تطهیر خواهند کرد.



**گزارش «وطن امروز» از سناریوی احیای تروریسم آمریکایی در اروپای شرقی**

## آلبانی مقصد CIA؛ از نفاق تا داعش

شهروندان این کشور را نیز بر هم می‌زند. به عبارت دقیق‌تر آمریکایی‌ها باتلافی برای دولت جدید آلبانی ایجاد کرده‌اند که هر روز بیشتر در آن فرو می‌رود. اخیراً خبری در رسانه‌ها مبنی بر مفقود شدن ۶۰۰ نفر از اعضای حاضر در کمپ‌های پناهندگی منتشر شد که جست‌وجوها نشان داد این ۶۰۰ نفر نیز برای جبران بحران نیرویی داعش به مقرهای آموزشی فرستاده شده‌اند. در این بین بسیاری از نمایندگان مجلس این کشور به تصمیمات نخست‌وزیر آلبانی بشدت اعتراض دارند و سعی می‌کنند از طریق فشارهای سیاسی و حتی کمک از ارگان‌های بین‌المللی در برابر تصمیمات اخیر دولت آلبانی که تحت تأثیر فشارهای آمریکا گرفته و اجرا می‌شود، ایستادگی کنند. گروه‌های سیاسی مختلفی در آلبانی اعتقاد دارند ادامه این روند می‌تواند امنیت این کشور را به طور کلی از بین برده و هزینه‌های آن در آینده بر گردن ملت آلبانی خواهد بود. در آخر باید خاطر نشان کرد اقدامات واشنگتن همواره در طول جنگ سرد به عنوان تهدیدی جدی برای اروپای شرقی نه‌تنها حیات روزمره شهروندان کشورهای این بخش از قاره سبز را با مشکلاتی جدی روبه‌رو کرد، بلکه اکنون بار دیگر بستری چون کشور آلبانی برای تأمین اهداف شوم خود و همچنین ایجاد فتنه مشترکی برای شرق اروپا، منطقه قفقاز و در نهایت کشورهای ایران و روسیه، شاهد اجرای سناریوی دیگری از جمله ایجاد اتاق عملیاتی مشترک با شرکت افسران سرویس اطلاعاتی آمریکا، عناصر تروریستی داعش و منافقین است؛ موضوعی که نه‌تنها می‌تواند زمینه تهدیدی جدی برای اروپای شرقی باشد، بلکه پتانسیل اختلال در امنیت کل اروپا و کشورهای همجوار را نیز در خود دارد.

دفع شوند نیز تعهد داده بود. خشخاش که معدن طلا برای اروپا محسوب می‌شود در اختیار داعش خواهد بود و من در همین رابطه از ناتو درخواست مداخله و کمک می‌کنم.»همزمان با نخست‌وزیر پیشین آلبانی برخی شخصیت‌های سیاسی فعلی این کشور نیز در انتقاد به توافق اخیر نخست‌وزیر فعلی آلبانی با آمریکایی‌ها برای میزبانی از تروریست‌های داعشی واکنش نشان دادند. «تریتان شهو» نماینده اسبق حزب دموکراتیک و کسی که پیش از این نیز سابقه نخست‌وزیری آلبانی را در کارنامه خود داشته، نسبت به حرکت دولت فعلی آلبانی انتقاد کرده و این مساله را باعث ضربه به امنیت ملی آلبانی دانسته است. «فاتمیر مهدیو» رئیس حزب جمهوری‌خواه آلبانی نیز این اقدام را مخل امنیت ملی کشورش دانسته و از رئیس‌جمهور کشورش خواسته تا هر چه سریع‌تر جلسه شورای امنیت ملی آلبانی را تشکیل دهد. وی وجود اردوگاه تروریست‌های داعش در آلبانی را سبب از بین رفتن امنیت آلبانی دانسته‌است. معاون رئیس حزب جنبش همگرایی سوسیالیست «پتریت وسیلی» نیز در همین رابطه گفته: «خشست‌وزیر بلغارستان دهان ادی راما را بست، زیرا که احداث اردوگاه داعشی‌ها در آلبانی را افشا کرد.» با ورود داعش به آلبانی می‌توان این کشور را به عنوان یک مرکز شناخته شده اروپایی برای بازپروری و کمک به فعالیت گروه‌های تروریستی دانست که عموماً علیه جمهوری اسلامی ایران فعالیت می‌کنند. منافقین نمونه اول این رفتار آلبانی در پذیرش تروریست‌های علیه ایران است. آلبانی از روزی که توافقنامه همکاری با آمریکایی‌ها را امضا کرد، عملاً در مقابل تصمیمات آمریکایی‌ها هیچ اراده‌ای از خود نداشته و پیوسته مجبور به پذیرش خواسته‌هایی است که گاهی امنیت ملی

است که شامل احداث اردوگاه بازپروری نیروهای داعش در آلبانی است که سال جاری میلادی از سوی سرویس اطلاعاتی آمریکا در دستور کار قرار گرفته است. به عبارت دیگر، بعد از منافقین حالا نوبت تروریست‌های داعش است که به دستور و هماهنگی آمریکایی‌ها از خاک آلبانی برای پناه‌گرفتن و تجدید قوا استفاده کنند. افشای این خبر در پی انتقاد برخی نمایندگان مجلس آلبانی و همچنین نخست‌وزیر بلغارستان از نخست‌وزیر جدید این کشور بوده است. نخست‌وزیر بلغارستان طی سفرش به کشور آلبانی طی سخنانی اظهار داشته «آلبانی دارد داعش را پناه می‌دهد و در این‌زمینه در حال رقابت با اوکراین است. اوکراین هم پذیرفته که هم مهاجران را بپذیرد و هم داعش را! در آلبانی، مرکزی برای هماهنگی جنگجویانی که قبلاً داعشی بوده‌اند، احداث شده است.»به‌اعتقاد برخی کارشناسان، هشدار نخست‌وزیر بلغارستان با هدف جلوگیری از ورود عناصر تروریستی داعش به آلبانی و همچنین جلوگیری از بر هم خوردن شرایط امنیتی موجود در منطقه شرق اروپا عنوان شده که در نهایت همراهی برخی شخصیت‌های سیاسی آلبانی را هم به دنبال داشته است. نخست‌وزیر جدید آلبانی «دی راما» به دلیل نزدیکی به آمریکایی‌ها سعی دارد خواسته‌های استعماری و خطرناک آمریکا را در کشورش پیاده کند که ورود تروریست‌ها به خاک آلبانی یکی از مصادیق آن است. صالح بریسا» نخست‌وزیر سابق این کشور که با چنین اقداماتی در آلبانی مخالف است نیز در همراهی با جریان مخالف از نخست‌وزیر فعلی کشور انتقاد کرده و گفته: «خشست‌وزیر آلبانی درباره احداث اردوگاه جنگجویان تعهد داده است، همان‌طور که درباره زاله‌های شیمیایی سواری که در آلبانی



رامین برجمدار، رئیس‌جمهور سابق آلبانی

سوسول کیم،وزیر امور خارجه آلبانی

به‌دست آمده از حضور در آلبانی برای اجرای مناسبات درون فرقه‌ای برای جلوگیری از ریزش بیشتر نیروهای‌شان استفاده می‌کنند. همچنین طرح‌ریزی برای اقدامات تروریستی و خرابکاری، جاسوسی و… علیه ایران مابه‌ازای حمایت آمریکا از این تروریست‌هاست. این قبیل اقدامات در حالی روند رو به رشد خود را دنبال می‌کند که اخیراً کشور آلبانی با نظر آمریکایی‌ها برنامه دیگری را نیز در دستور کار خود قرار داده